

مروری بر ۳۵ دوره مجلس و قانون‌گذاری در ایران به‌تازگی روی آنتن شبکه مستند رفته است. مستند «نشانی: بهارستان» به تهیه‌کنندگی میلاد محمدی و کارگردانی محمدجواد رجب بیگی در این باره گفت؛ این فیلم مروری بر ۳۵ دوره مجلس و قانون‌گذاری در ایران از انقلاب مشروطه تا اکنون است و در ۱۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به چگونگی شکل‌گیری مجلس شورای ملی، رقابت‌های انتخاباتی و دسته‌بندی‌های حزبی، چگونگی شکل‌گیری ترکیب مجالس

### مرور ادوار مجلس در یک مستند

مختلف، خروجی و مصوبات آن و تأثیرش بر سیاست و اقتصاد و زندگی روزمره مردم می‌پردازد.

وی افزود: این مستند سعی کرده به این نکته توجه کند که خروجی هر دوره از مجلس چه نسبتی با انتخاباتی که موجب شکل‌گیری آن مجلس شده دارد و این‌که اهمیت مجلس در اداره کشور به چه اندازه است. مدت‌ها دغدغه ساخت مستندی درباره تاریخ ادوار مختلف مجلس را در سر داشتم، با نزدیک شدن

به ایام انتخابات فرصت برای ساخت این مستند فراهم شد و کار با این محوریت که مجلس شورای ملی و واقعه مشروطه چطور شکل گرفت و بعدها ادوار مختلف مجلس چه اثر و خروجی‌ای داشتند، کلیدزده شد.

نشانی: بهارستان ساخته محمدجواد رجب بیگی شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۷ پخش می‌شود و تکرارش روز بعد ساعت ۸ است.



گفت‌وگوی «جام‌جم» با علی عامل هاشمی، بازیگر «بیست کووید»

# به کادر درمان ادای دین کردیم



زینب علیپورطهرانی گروه رسانه

باعث می‌شود یادم‌ان نرود در آن فضای پرتالتهاب، نکات ارزشمندی هم وجود داشت. همدلی و همراهی مردم با کادر درمان یکی از همین نکات مهم و قابل ذکر است. در مجموعه بیست‌کووید که داستان‌ش در دوران کرونا و تزریق واکسن در شهر مشهد روایت می‌شود، بازیگران طنزانی حضور دارند ازجمله علی عامل هاشمی که سال‌هاست با نقش آفرینی‌اش در مجموعه‌های کم‌دی برای‌مان خاطره‌سازی کرده‌نظیر مینی سرپال «شب عید» با مجموعه‌های چک برگشتی، سال‌های دور از خانه و... هاشمی را این شب‌ها با نقش محمد جواد در این سرپال می‌بینیم که جوان ساده دل و عاشقی است و موقعیت‌های کمدی در داستان خلق می‌کند. او در گفت و گو با جام‌جم پیرامون این نقش و این مجموعه به نکاتی اشاره کرد که در ادامه می‌خوانید:



**[۱]** محمد جواد سرپال بیست‌کووید، مثل نقش‌های قبلی که بازی کرده، شیرینی و نمک خاصی در کاراکترش دارد که این نکته کاملاً در بازی شما مشهود است. این ویژگی را شما به نقش‌هایی که بازی کرده‌اید، اضافه می‌کنید یا این‌که این ویژگی در فیلم‌نامه وجود دارد؟

وقتی نام این سرپال مطرح شد، خیلی‌ها با شیرینی بیسکویت اشتباه می‌گرفتند ولی وقتی متوجه شدند وجه تشابهی نسبت به کووید و کرونا دارد، مخاطب خیلی یاد یک اتفاق شیرین یا ماجرای کمدی نمی‌افتد، چون همه ما از این بیماری خاطرات بد و تلخی داریم اما وقتی درباره این سرپال با کارگردان و تهیه‌کننده صحبت کردیم، درباره این گفتیم که چطور می‌شود پیرامون موضوعی که خاطره خوبی از آن نداریم، حرف بزنیم و در عین حال تماشاچی هم دوست داشته باشد. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که باید تماشاچی درامی را ببیند که شیرین باشد. به همین علت در این باره صحبت کردیم که آن دوران اتفاقات بامزه و ماجراهایی وجود داشت که این بیماری تلخ را برای ما قابل تحمل می‌کرد.

**[۲]** می‌توانید در این باره مثال بزنید؟

مثلاً وقتی فردی در چنین شرایط بد و تلخی قرار دارد و از طرفی ممکن است سرش کلاه بگذارد و بپول اورا برنگرداند، در آن شرایط هم نگران چنین مسأله‌ای هست. همین

موضوع، موقعیت را شیرین و شبیه زندگی واقعی می‌کند. اینجاست که می‌توان تاحدی با این موضوع، شوخی و فضا را شیرین کرد. بنابراین اگر بخواهم کلیت شخصیت محمد جواد را در یک جمله تعریف کنم باید بگویم محمدجواد شخصیتی دارد که اخلاق مدار است. یعنی می‌کوشد به کسی آسیبی نرساند و نهایت تلاشش را می‌کند که کسی به او آسیب نزنند. از طرفی آدم بسیار ساده و متعجیز از هر اتفاقی است. به همین خاطر تکیه‌کلام «جدا» را دارد.

**[۳]** یعنی همین مسأله اخلاق‌مداری را می‌توان وجه تشابه شخصیت خودتان و نقش‌ها قلمداد کرد؟

می‌توانم بگویم علی عامل هاشمی تمام تلاشش بر این است که در زندگی‌اش اخلاق مدار باشد. درست مثل محمدجواد که مهم‌ترین ویژگی شخصیتش، همین مسأله‌است.

**[۴]** تکیه‌کلام «جدا» که محمد جواد مدام از آن استفاده می‌کند ایده خودتان بود؟

بله. وقتی ما به یک تحلیل شخصیتی رسیدیم، من دنبال کلمه‌ای بودم که به حس و حالی که برای این شخصیت در نظر گرفته‌ام نزدیک باشد که به این کلمه رسیدم و کارگردان هم موافقت کرد و من هم هر جایی که زمامش بود استفاده می‌کردم.

**[۵]** محمد جواد سرپال بیست‌کووید و تقریباً می‌توان گفت همه کاراکترهایی که تا به امروز در سرپال‌ها بازی کرده‌اید، در عین حال که وجوه مختلفی در شخصیت دارند اما سادگی اصلی‌ترین ملاک آنهاست و این‌که سعی می‌کنند همواره آدم خوبی باشند، بنابراین ویژگی را خودتان به کاراکترها اضافه می‌کنید تا دلنشین‌تر باشد یا دیدگاه کارگردان‌هایی که با شما کار می‌کنند این‌گونه است؟

یک سری چیزهایی هست که بر اساس توانمندی‌های خودتان به آن باور دارید. ضمن این‌که پیشنهاده‌ها و نوع نگاهی که کارگردان‌ها و لطفی که مردم به من دارند، این بوده که شخصیت منفی بازی نکردم.

**[۶]** حتی این قضیه در گریم شما هم وجود دارد. این به خواسته شخصی خودتان برمی‌گردد که گریم‌ورها خیلی به ترکیب صورت شما دست نمی‌زنند یا شخصیت‌هایی که بازی می‌کنید این ویژگی را دارند؟

من در طراحی گریم اصلاً دخالت نمی‌کنم چون کار تخصصی است و کسی که در این حوزه فعالیت می‌کند، به جزئیات این کار آشناست؛ بنابراین دخالتی در این زمینه ندارم و فقط ممکن است پیشنهادهایی بدهم. با این حال معمولاً کارگردان که تصمیم‌گیرنده است، با پیش‌زمینه ذهنی که از من به عنوان بازیگر دارد، ممکن است انتخاب کند و در گریم هم خیلی من را از خود واقعی‌ام دور نکند. به خصوص این‌که این روزها خیلی چیزها به سمت طبیعی بودن می‌رود و به همین خاطر ترجیح بر این است



که گریم هم خیلی برجسته نباشد و طبیعی‌تر باشد. البته محاسن من مثل محمدجواد تا این حد مشکلی نیست و من این قدر جوان هم نیستم (می‌خندد).

**[۷]** شما اصالتاً خراسانی هستید و تسلط کاملی هم روی گویش مشهدی دارید. با این حال به جز داماد خانواده در بیست‌کووید هیچ کدام از بازیگران به خصوص محمد جواد با این گویش صحبت نمی‌کنند. آن هم در حالی که داستان در شهر مشهد روایت می‌شود. این قضیه تعدی بود؟

لهجه مشهدی این‌گونه است که مشهدی‌ها خیلی با خودشان با این غلطت لهجه صحبت می‌کنند. یعنی با بقیه خیلی معمولی صحبت می‌کنند. البته مشهدی خیلی لهجه شیرین و دوست‌داشتنی‌ای است. من هم خیلی این لهجه را دوست دارم اما خواسته کارگردان بود که خیلی اصرار نداشته باشم مدام بازیگران با این لهجه با هم صحبت کنند. اما قرار بر این شد که آهنگ خراسانی را در صحبت‌کردن محمد جواد بگذاریم که او مشهدی مطلق حرف نزند که اتفاقاً تفکیک کردن آن هم خیلی کار سختی بود. یعنی مخاطب متوجه شود که این شخصیت مشهدی است. اما لهجه داشته باشد.

**[۸]** پس می‌توان گفت یکی از چالش‌هایی که با این نقش داشتید همین مسأله گویش بود؟

به هر حال کار جدید و جذابی برای خودم بود و دوست داشتم. چون باید را کسور لهجه را حفظ می‌کردم و نگه می‌داشتم و باید مراقب بودم تا رفتار و حرکات و راه رفتن محمد جواد شبیه به خودم نباشد. به هر حال من به عنوان بازیگر باید در کار مراقب این باشم که هیچ‌گونه شایهتی بین من و کاراکتر وجود نداشته باشد. یعنی محمد جواد شبیه به علی عامل هاشمی راه نرود. بنابراین همین مسأله لهجه و حفظ را کسور دش کار راحتی نبود. البته وقتی محمد جواد با دوستش برای زارت امام رضاع) به حرم می‌رفتند، دوستش



به او تاکید می‌کرد مشهدی حرف بزن تا آقا بفهمه ما زائر نیستیم و مشهدی هستیم! به همین خاطر در سکانس‌های حرم، ما مشهدی حرف می‌زدیم.

**[۹]** از آنجا که همه ما به نوعی با کرونا درگیر بودیم و خاطرات چندان خوبی هم از آن دوران نداریم، یادآوری آن روزها برای شما به عنوان بازیگر سرپال، آزاردهنده نبود؟

جنگ هم برای هیچ کسی لذت‌بخش نیست و کسی جنگ را دوست ندارد. چون جنگ، آوارگی و خرابی و مرگ با خود به همراه دارد و خیلی اتفاق وحشتناکی است. اما وقتی فیلم جنگی ساخته می‌شود، آن را می‌بینیم و دوست داریم. یعنی ماجیزی از جنگ می‌بینیم که به ما یادآوری شود چه روزهای تلخی داشتیم. بنابراین همین که بخشی از تاریخ را فراموش نکنیم و همواره به یاد داشته باشیم نکته مهمی است. درباره کرونا هم همین اتفاق افتاد. یعنی درست است که شاید عزیزی را در آن دوران از دست داده باشیم اما به این نتیجه رسیدیم که باید از خودمان مراقبت کنیم یا بهداشت را به گونه‌ای رعایت کنیم که کسی را بیمار نکنیم. این مهم‌ترین دستاوردی بود که در آن دوران داشتم و هنوز هم با ما هست. یعنی کرونا تلنگر بزرگی را به ما زد که همواره مراقب خودمان باشیم و بهداشت را بیشتر رعایت کنیم. ساختن چنین سرپالی که البته بیست‌کووید یک سرپال عاشقانه شیرین است که با این برهه از تاریخ برخورد می‌کند، تلنگری برای یادآوری است که مراقب باشیم تکرار نشود. البته که کرونا هنوز تمام نشده است.

**[۱۰]** اتفاقاً خیلی‌ها بر این عقیده هستند که کرونا و آن دوران تلخ تمام شده و نیازی به یادآوری آن روزها نیست. بنابراین ساخت چنین سرپالی لزومی ندارد. پاسخ شما برای آن افراد چیست؟

من فکر می‌کنم کرونا تمام نشده و هنوز عده‌ای از این بیماری آسیب می‌بینند. بنابراین هنوز هم به چنین یادآوری‌ای نیاز داریم.

**[۱۱]** گویا یکی از مصائب و اتفاقات تلخ این کار درگیر شدن عوامل به وبا بود. شما هم درگیر این بیماری شدید؟

#### نکاه



### سبزوار؛ سربالی درباره اقلیم خراسان

علی عامل هاشمی درباره سربالی که در دست نگارش دارد می‌گوید: یکی از کارهایی که دوست دارم انجام دهم این است که راجع به شهر خودم و جایی که در آن به دنیا آمدم و بزرگ شدم ادای دین داشته باشم.



ما مجبور شدیم به منطقه‌ای برویم و فیلمبرداری کنیم که نسبت به آب‌وهوا بدن ما واکنش نشان داد و درگیر بیماری شدیم. البته آدم‌هایی که در آنجا زندگی می‌کردند هم از آن آب می‌خوردند اما انگار بدن آنها مقاوم شده بود و ما وبا گرفتیم، ولی نکته مهم و عجیبی که برای من در این کار وجود داشت و خیلی آذیت شدیم، پوشیدن گان‌های پزشکی بود. چون زمان فیلمبرداری آن سکانس‌ها در گرمای تابستان بود و هوا داخل این لباس‌ها نمی‌رفت و به قدری گرم و آزاردهنده بود که من به یاد پزشکان و پرستارانی افتادم که در آن دوران این لباس‌ها را می‌پوشیدند و ساعت‌ها باید با این وضعیت کار می‌کردند. آن هم در شرایطی که استرس بیماری وجود داشت و چقدر این دوستان دو سال آذیت شدند. بنابراین تلاش می‌کنم بیشتر مراقب خودم باشم تا کمتر برای کادر درمان دردسر ساز شوم. این خیلی یادآوری جالبی بود و فکر می‌کنم این

سربال ادای دین به آن دوستان است. چون آدم‌های مهمی هستند و یاد شهدای‌شان واقعا گرامی.

**[۱۲]** قطعه‌هر بازیگری مدام به این فکر می‌کند نقش‌هایی را که دوست دارد و متفاوت است بازی کند. شما دوست دارید چه نقشی به شما پیشنهاد شود و بازی کنید؟ مثلاً دوست دارید یک نقش کاملاً جدی و منفی بازی کنید؟

اتفاقاً خیلی علاقه‌مند به بازی در نقش جدی و منفی نیستم. چون به نظرم چنین نقشی بازی‌کردن کار خیلی سختی نیست. اتفاقاً در چنین شرایطی که زندگی می‌کنیم، گریاندن و غمگین‌کردن و تحت تأثیر قرار دادن مردم کار عجیب و سختی نیست. اتفاقاً لیخند روی لب آنها آوردن کار خیلی سختی است و این رسالت و دین را روی دوش خودم به عنوان بازیگری که در سرپال‌های تلویزیونی بازی می‌کنم دارم که حتی برای چند دقیقه لیخند را روی لب مردم بیارم تا برای چند دقیقه از مشکلات‌شان رها شوند و تجدیدقوا کنند. این خیلی برای من جذاب‌تر است که مردم را شاد کنم.

یعنی سربالی کار کنم که به واسطه آن پتانسیل این استان و شهر مشهد را به مخاطب نشان دهم. درست مثل کاری که سعید آقاخانی نسبت به اقلیم کرد انجام داد یا محسن تنابنده نسبت به استان مازندران کرد. من هم دوست دارم این اتفاق برای استان خراسان بیفتد. به همین دلیل با برادرم هدایت در حال نگارش سربالی در این زمینه هستیم و قرار است با برادرها بسازیم. اسم سربال «سبزوار» است و فعلاً در مرحله نگارش قرار دارد. خیلی دوست دارم این ادای دین را به سرزمین مادری‌ام انجام بدهم.

#### خاطرات کاغذی



### شمشیر در سنگ

مریم فلاح: در قرون وسطی، انگلستان پادشاهی ندارد و تا زمانی که کسی شمشیر فروخته در سنگ را بیرون نکشد، انگلستان پادشاه نخواهد داشت. وارت (سورنسن)، فرزندخوانده سراکتور (کابوت) در جست‌وجوی یک تیر گمشده به جنگل می‌رود و به کلبه مرلین جادوگر (سونتسن) می‌رسد. مرلین تصمیم می‌گیرد با تبدیل‌کردن وارت به ماهی، سنجاب و پرنده، درس‌های زندگی را به او یاد دهد. وارت به چنگ داماد میم، جادوگر (ونت‌وورت) می‌افتد، اما مرلین در یک نبرد میان نیروهای جادویی، او را شکست می‌دهد. سراکتور و پسرش، کی (آلدن)، وارت را با خود به لندن می‌برند تا در عوض، شمشیر در سنگ را برایش بیاورند. هیچ‌کس باور نمی‌کند که او شمشیر را بیرون آورده، اما او جلوی چشم همه این کار را تکرار می‌کند و پادشاه قانونی انگلستان می‌شود. ژاله علو، مدیر

دوبلاژ این کارتون دوست‌داشتنی بود. محمود نوربخش (مرلین)، آذر دانشی (داماد میم)، ایرج ناظریان (سراکتور)، شرام شکوفنده (وارت)، مهین بزرگی (ارشمیدس)، مهدی آریز (سری)، و ناصر خاوری (سریلینور) صدایپیشگی «شمشیر در سنگ» را بر عهده داشتند.



کیوارتدراکسین کنید

#### دوبله

### «پروفسور» روسی به شبکه تماشا رفت

سربال «پروفسور» با گویندگی ۴۰ نفر از گویندگان گفتارفیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تاملین و رسانه بین‌الملل سیما دوبله شد. این سربال در گونه درام و معمایی محصول روسیه در سال ۲۰۲۱ قرار است از شبکه تماشا پخش شود.

مدیر دوبله این سربال رزیتا یاراحمدی است. ارغوان افراسیاب، آزاده اکبری، رضا الماسی، دانیال الیاسی، آرزو امیردیری، علیرضا باشکندی، شهراد بانکی، علی بیگ‌محمدی، ارسلان جولایی، مونا خجسته، زویا خلیلی‌آذر، هادی رجبی، علی‌اصغر نیک‌رضایی، سمیه رهنمون، شیرین روستایی، نفیسه زاجکانپنا، منوچهر زنده‌دل، افشین زی‌نوری، ابوالفضل شاه‌بهرامی، مریم شاهرودی، پریا شفیعیان، محمد صادقیان، فاطمه صبا، سحر صحامیان، بهروز علی‌محمدی، میلاد فتوحی، کوروش فهیمی، شروین قطعه‌ای، نسرین کوچک‌خانی، مریم معینیان، ملیکا ملک‌نیا، اکبر منانی، علی منصوری‌راد، اسفندیار مهراش، مریم مهباندوست، علی همت مومیوند، بهمن هاشمی، علیرضا ناصخی، آریتا یاراحمدی و رزیتا یاراحمدی صدایپیشه‌های این اثر بوده‌اند.

این سربال در مورد پزشک جراحی به نام پروفسور آرکادی در سال ۱۹۱۲ است. در هر قسمت شاهد اتفاقات هادوئل‌هایی هستیم که او این پرونده‌ها را حل می‌کند.



#### جشنواره

### «سرود گلبانگ آزادی» تمدید شد

رادیو ایران با همکاری معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش و شبکه شاد نخستین جشنواره ملی «سرود گلبانگ آزادی» را برگزار می‌کند. غلامحسین طالبی، دبیر این جشنواره ضمن تبریک فرارسیدن اعیاد شعبانیه بیان کرد: با توجه به استقبال از

نخستین جشنواره ملی سرود گلبانگ آزادی این جشنواره تا ۶ اسفند، همزمان با سالروز میلاد باسعادت حضرت مهدی (عج) تمدید شد.

طالبی یادآوری کرد: سرودها در سه مقطع دبستان، دبیرستان و آزاد، ارزیابی و داوری می‌شود و لازم است در زمان ارسال مقطع مورد نظر انتخاب گردد. در هر مقطع و هر محور موضوعی به آثار برگزیده در داوری نهایی در بخش‌های شعر، تنظیم موسیقی، خوندگی و اثر برتر دو جایزه برای نفرات اول و دوم و در مجموع ۴۰ جایزه اعطا می‌شود. جایزه ویژه جشنواره به برترین اثر از بین تمام بخش‌ها تقدیم می‌شود. گفتنی است مهلت ارسال آثار تا پایان روز ۶ اسفند ماه ۱۴۰۲ تمدید شد و لازم است قبل از ارسال از طریق وبگاه نخستین جشنواره ملی سرود گلبانگ آزادی به آدرس kanoon.irib.ir ثبت‌نام صورت پذیرد.

